

امور تحریریه ایچون فؤاد بکه
وامور اداره ایچون آرتین افندی به
مراجعت اولنور.

—۲۰۸۳۶—

مسئله کمره موافق آثار قبول اولنور.
درج اولغیان اوراق اعاده اولنماز.

مَحَلِّات

اداره خانه سی باب عالی جاده سنده
۵۲ نومرولی « شرکت مرتبیه »
مطبعه سیدر.

—۲۰۸۳۶—

استانبول ایچون سنه لکی مطبعه دن
آلفق شرطیله ۴۰ طشره لره پوسته
اجرتیله برابر ۶۰ غروشدر.

نسخه سی ۱ غروش

پنجشنبه کونلری نشر اولنور ادبی، فنی و صناعی غزدر

نسخه سی ۱ غروش

ترکیب

مکتب دیوبنده کچمه که قدسیدر اول مقام
سکانه مؤسسه ایله احترام
بیت الشرف سزادر اکا اولسه ایدی نام
ناقص کلانلر انده اولور لاجرم تمام
لایق دکلای دینسه اکا قبله انام
مقصود ایسه اگر سکا برقبه مرام
اول جانب مبارکه وقتیه قیل خرام
کسب کاله صبح و مسا ایله اهتمام
اما مزاج عصره موافقده اولملی
هم احتیاج خلقه مطابقده اولملی

ترجمه

مکتب مکو نشین قدسیست آن مقام
واجب شمر بیانی و سگانش احترام
بیت الشرف سزاست بر آن کرنی تو نام
هر کو بتقص آمده آنجا بشد تمام
خواندکر سزاست ورا قبله انام
کریایت ترا بجهان کعبه مرام
هنکام فرصت است بدانسوی کن خرام
صبح و مسا بکسب هنرورز اهتمام
لیکن بطبع عصر موافق عمل خوشست
با احتیاج خلق مطابق عمل خوشست
(مابعدی وار)

ترکیب بند

مکتب که فیض بخشیدر ابنای امتک
مکتب که حجله کاهیدر ابکار فکر تک
مکتب که مهد رفعتیدر هر جماعتک
مکتب که قصر شوکتیدر ملک و ملتک
مکتب که رحله کاهیدر آیات نصرتک
مکتب که اک مهمیدر اسباب ثروتک
مکتب که سایه صالیدی یزدو حقیقتک
مکتب که جلوه کاهیدر اسرار خلقتک

سرمایه سعادتیدر دین و دولتک
بومدعا مسلیدر شرع و حکمتک

ترجمه

مکتب که فیض کستر ابنای امت است
مکتب که حجله کاه عروسان فکرت است
مکتب که مهد معرفت هر جماعت است
مکتب که کاخ مسعدت ملک و ملت است
مکتب که درسخانه آیات نصرت است
مکتب که مجمع همه اسباب ثروت است
مکتب که سایه بان بلند حقیقت است
مکتب که جلوه کاه خبایای خلقت است

سرمایه خجستگی دین و دولت است
این مدعا مسلم شرعست و حکمت است

مکتب

بیان

مبدأ سعادات و مکهسب فیوضات
جاودانی اطلاقه سزا اولان مکتبلر حقنده
سابق معارف ناظری دولتلو منیف پاشا
حضرتلرینک، کشیده سلاک بلاغت بیورمش
اولدقلری منظومه درر شاهوار
ولائی رخشان و ابدار، بوکره دبستان
ایرانیانک منتهی صنف طلبه سی طرفندن یینه
او بجرده منظوماً فارسی به نقل و ترجمه
ایدلش و طراوت مادیه و قوای اصلیه سنه بر
کونه وهن و خلل کلمه سی جهتنه دخی
خیلیجه اعتنا و اهتمام اولنمشدر. اکثریتله قابله
طوقنامهش، یالکزقوالب دیکشمشدر، یعنی
پاشای مشارالیهک، شاهد شهر آشوب فکره
و نکار فرشته عذار معنایه اکسا و الباس
ایتمش اولدینی جامه دیبای رومی به بدل
شاگردان مومی الیههم طرفندن خارای
نیلوفر، و اکسون و کیسهای کشمیری، و پرند
و پریشان شوشتری کیدیرلمش و اول وجهله
اندام حوری خرام شاهد معنایه معتنا زیب
وزیور و آرایش دیگر و یریلره رک جلوه نمای
خیابان ظهور ایدلمشدر. ترجمه مجهوث عنهانک
بر نسخه سی المزه کچمش اولدیفندن اصلیه
برابر تدریجاً قارئین کرامک نظر تقدیرینه
عرض و تقدیم مناسبت کوردک.